

Received: 13/Feb/2022

Accepted: 03/Nov/2023

Open
Access

SADRĀ'Ī WISDOM

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the Issue of Death in the Cryogenic Process based on Mulla Sadra's View

Leila Fakher¹, Rajab Akbarzadeh², Ahmad Hossein Falahi³

1. Ph.D. Student of the Faculty of Education, Payame Noor University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor of Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor of Islamic Philosophy and Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran.

Correspondence

Rajab Akbarzadeh

Email:rajab.akbarzadeh@yahoo.com

How to cite

Fakher. L.; Akbarzadeh, R.; Falahi, A.H. (2023). Investigating the Issue of Death in the Cryogenic Process based on Mulla Sadra's View, SADRĀ'Ī WISDOM, 12 (1), 123-132.

ABSTRACT

Death is a hierarchical process, and it is necessary for groups such as jurists and physicians to clarify its achievable dimensions, define its standards, and apply it. The category of the soul and its relation to the body can be traced back to Mulla Sadra's theory of essential movement. On the other hand, understanding the moral and religious norms of new topics in medicine requires an explanation of death. Cryopreservation is a new method of medicine in our time, and this method of bodily preservation can be studied from various doctrinal, philosophical, legal and ethical aspects. One of the biggest challenges facing this emerging method is determining the boundary between life and death, because this process occurs after the patient is declared dead. The current study analyzed the information using the descriptive analytical method and by searching for the concept of death in Mullah Sadra's theory of death, which is a divine theory.

KEYWORDS

Cryonics, Death, Mulla Sadra, Philosophy, Frostbite.

نشریه علمی

دوفصلنامه حکمت صدرایی

«مقاله پژوهشی»

بررسی مسئله مرگ در سرمایه‌داری با تکیه بر آراء ملاصدرا

لیلا فاخر^۱، رجب اکبرزاده^۲، احمدحسین فلاحی^۳

چکیده

مسئله سرمایه‌داری از مسائل نوپدید کاربرد علم فیزیک در پزشکی است که با چالش‌هایی روبه‌رو شده است. یکی از اشکالات عمده به این شیوه نگاهداشت بدن - که جسم بیمار صعب‌العلاج را با هدف درمان در آینده، برای سال‌ها در حالت انجماد (۱۹۶-) حفظ می‌کند و ادعا دارد که در شرایطی خاص، آن را از انجماد بیرون می‌آورد- این است که سرمایه‌داری مفهوم مرگ را تغییر داده و در کار خداوند دخالت می‌کند. از طرفی تبیین و تحلیل مسئله مرگ از دغدغه‌های همیشگی برخی فیلسوفان از جمله ملاصدرا بوده است که سعی نموده از منظر فلسفی آن را تبیین کند. این مقاله می‌کوشد با توجه به مبانی فلسفی ملاصدرا همچون حرکت جوهری و رابطه نفس و بدن، چگونگی و چرایی مرگ را از منظر او بکاود و اشکال به سرمایه‌داری را بررسی نماید. در این مطالعه توصیفی و تحلیلی سعی شده تا با بررسی مفهوم مرگ طبیعی از دیدگاه پزشکی نوین و مقایسه آن با دیدگاه ملاصدرا در باب مرگ، به این نتیجه برسیم که آنچه ملاصدرا در توصیف لحظه مرگ بیان می‌کند، مربوط به زمان بی‌نیازی نفس از بدن در حرکت استکمالی است که زماناً و مکاناً برای انسان مجهول است؛ چراکه استغناء نفس از بدن قابل رؤیت و اثبات نیست. بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که در فناوری سرمایه‌داری، دانشمندان در پی انکار و تغییر عنوان مرگ و دخالت در کار خداوند هستند.

واژه‌های کلیدی

مرگ، سرمایه‌داری، ملا صدرا، انسان‌شناسی صدرایی، تبیین فلسفی.

۱. دانشجوی دکتری مدرسی معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۲. استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استادیار فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

نویسنده مسئول:

رجب اکبرزاده

رایانامه:

rajab.akbarzadeh@yahoo.com

استناد به این مقاله:

فاخر، لیلا؛ اکبرزاده، رجب؛ فلاحی، احمدحسین (۱۴۰۲). بررسی مسئله مرگ در سرمایه‌داری با تکیه بر آراء ملاصدرا. دوفصلنامه علمی حکمت صدرایی، ۱۲ (۱). ۱۳۳-۱۲۳.

مقدمه

یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین لحظات زندگی بشر، لحظه آغاز و پایان زندگی است. تشخیص زمان پایان زندگی انسان از اساسی‌ترین دغدغه‌های علوم مختلف مانند پزشکی، فقه، حقوق، فلسفه و اخلاق می‌باشد. اگر لحظه پایان زندگی به طور قطع مشخص شود، بسیاری از احکام اعم از اخلاقی، شرعی و حقوقی بدون معضل خاص بر موضوع خود، مرتب می‌شوند، اما اگر درباره ملاک انقضای مدت حیات و لحظه پایانی زندگی تردید وجود داشته باشد، اظهار نظر در مورد بسیاری از احکام مرگ و زندگی سخت و گاهی ناممکن خواهد بود. به طور مثال سال‌هاست که تحقیقات مفصل درباره مرگ مغزی صورت می‌گیرد و مبانی آن طی بحث‌های علمی دقیق بررسی می‌شود، اما به دلیل وجود ابهام در موضوع مرگ، این موضوع همچنان چالش‌برانگیز باقی مانده است. در فناوری‌های زیست‌پزشکی نوین، مانند سرمازیستی هم همین امر باعث اختلاف نظرهای عمیق و گاهی سبب رد و انکار این شیوه فناوری پزشکی شده است. فیلسوفان و متکلمان و فقیهان نیز مرگ را به گونه‌های مختلف تعریف و تبیین کرده‌اند که از حیث تفاوت در مبانی، بحث‌های متفاوتی ارائه نموده‌اند. برای مثال، افلاطون بر اساس مبنای فلسفی خود درباره چگونگی وجود روح پیش از بدن و هبوط آن به دنیا، مرگ را جدایی روح از بدن و رهایی از قفس تن می‌شمارد. (افلاطون، ۱۳۵۷؛ فایدون، ۶۴؛ گرگیاس، ۵۲۴) چنان که فلوطین در بحث نهی از خودکشی، مرگ را به جدایی تن از روح تعریف می‌کند نه روح از تن (فلوطین، ۱۳۶۶؛ ج ۱/۱۵۳) ابن سینا نیز در رساله‌ای که درباره ترس از مرگ نوشته است، در مقام ارائه راه حل برای از بین بردن عامل عدم آگاهی نسبت به حقیقت مرگ، به تبیین حقیقت آن پرداخته و تصریح می‌کند که مرگ چیزی بیش از ترک به کارگیری ابزار از سوی نفس نیست و آن ابزار اعضای هستند که مجموع آن بدن نامیده می‌شود. (ابن سینا، ۱۴۰۰: ۳۴۰)

برخی دیگر مرگ را به کمک مفهوم مقابل خود؛ یعنی زندگی تعریف کرده‌اند، مانند تعریف به عدم حیات از چیزی که متصف به حیات است. (جرجانی، ۱۳۲۵؛ ج ۵/ ۲۹۴) غزالی در *احیاء علوم‌الدین* مرگ را به تغییر حال توصیف

کرده است. (غزالی، بی‌تا: ج ۱۸۱/۱۵) همچنین وی در *الاربعین*، مرگ را زمانه‌البدن دانسته است. زمانه به معنای تحلیل رفتن قوا و ضعف است. به این معنی که مرگ عجز و ضعف عمومی است که همه قوا را دربر می‌گیرد. (غزالی، ۱۴۰۹: ۱۶۷) مرگ از دیدگاه فقهی نیز به زهوق روح (نراقی، ۱۴۱۷: ۶۰۰؛ یزدی، ۱۴۱۶؛ ج ۱/ ۴۶۸) یا خروج نفس از بدن (بحرانی، ۱۴۰۵: ۳۰۸/۳)، تعبیر یافته و با همین معنا در لسان دلیل اخذ گشته و موضوع پاره‌ای از احکام اموات قرار گرفته است.

در این مقاله مسئله مرگ از دیدگاه ملاصدرا، با توجه به مبانی فلسفی وی همچون حرکت جوهری و رابطه نفس و بدن و دو ساحتی بودن انسان و وجودی بودن مرگ مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت سازگاری دیدگاه او درباره مرگ با دیدگاه پزشکی نوین و فناوری‌های پزشکی جدید نمایان شده است.

معنای لغوی مرگ

مرگ در لغت به معنای جان سپردن، فنای حیات، از دست دادن نیروی حیوانی و حرارت غریزی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱/ ۲۰۷۰؛ معین، ۱۳۶۰؛ ج ۳/ ۴۰۴۳) در فرهنگ لغت عربی، موت را مفهومی ضد یا نقیض زندگانی بر شمرده‌اند. دیگر معانی آن مفارقت کردن روح از جسد، نابود شدن قوه نامیه در انسان، حیوان و نبات، زوال قوه حساسه و زوال قوه عاقله تلقی شده است. (ابن منظور، بی‌تا: ج ۱۴/ ۱۴۳؛ جوهری، ۱۴۲۶: ۱۰۰۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۲۰: ۴۷۹)

در باب علت مرگ تبیین‌های بسیاری همچون تبیین پزشکی، کلامی و فلسفی وجود دارد که در این نوشتار به جهت ارتباط با موضوع مقاله، به رویکرد پزشکی و فلسفی از نگاه ملاصدرا می‌پردازیم.

۱. رویکرد پزشکی در مسئله چیستی و علت مرگ

از آنجا که پزشکی قدیم و جدید در روش و مبنا، متفاوت هستند، نگرش هر کدام به علت مرگ نیز متفاوت است. ذیلاً به اختصار به دیدگاه هر یک اشاره می‌شود.

الف) پزشکی قدیم: بر اساس نظر ابن‌سینا و اطباء قدیم وقوف قوه غاذیه سبب موت طبیعی است. در توجیه علت

از یک دستگاه پیشرفته احیای قلبی ریوی، جریان خون را دوباره به بدن برگردانند و آنها را برای درمان آماده کنند. کرایونیک اکنون فقط در کشورهای معدودی همچون آمریکا، کانادا و روسیه در حال انجام است، ولی در آینده و با پیشرفت‌های سریع فناوری پزشکی باید منتظر گسترش «سرمازیستی» در کشورهای دیگر باشیم. هم اکنون ده‌ها نفر داوطلب در مؤسسه‌های الکور^۳، کرایونیکس^۴ و کرایوروس^۵ در مخازن بزرگ در حالت سرمازیستی به سر می‌برند و هنوز زمان احیای هیچ یک از آنها فرا نرسیده تا شاهد تحقق نهایی این نظریه علمی باشیم، ولی در سال‌های اخیر پیشرفت‌های فناوری نانو امید را بیشتر کرده است. به عنوان مثال در سال ۲۰۱۶ دانشمندان قادر به احیای مغز خرگوش شدند و این موفقیت می‌تواند گامی برای تحقق این هدف در مورد انسان‌ها باشد. (Dedon, J. 2018: 24-30)

مفهوم مرگ در سرمازیستی

همان‌گونه که گفته شد در روش‌های معمول پزشکی امروزی، وقتی که بیمار علائم بالینی حیاتی نشان ندهد و راه حل علمی وجود نداشته و تلاشی نیز در احیای فرد صورت نمی‌گیرد، مرگ بالینی اعلام می‌شود. بنابراین، مرگ بالینی، به معنای اعلام رسمی مرگ بیمار، توسط پزشک معالج با ذکر علت مرگ می‌باشد. این همان زمانی است که کرایونیک وارد می‌شود؛ زیرا در کرایونیک عقیده بر این است که از زمان اعلام مرگ بالینی تا مرگ قطعی سلول‌ها و تجزیه شیمیایی آنها مدت زمانی کوتاه در حدود بیست دقیقه تا یک ساعت وجود دارد که می‌توان با روش سرمازیستی بدن انسان را در انجماد خاص قرار داد.

بنابراین، بین اعلام مرگ بالینی و مرگ قطعی تفاوت است؛ مرگ قطعی زمانی است که اختلالات شیمیایی در سلول‌ها آغاز می‌شود و دیگر نمی‌توان به احیای او امید داشت؛ حداقل در محدوده علوم امروزی چنین امکانی متصور نیست (Whetstine, L.; Streat, S.; Darwin, M.; Crippen, D. 2005: 538-42)

وقوف قوه غاذیه ادله متفاوتی ذکر کرده‌اند. رایج‌ترین این توجیحات، از طریق حرارت غریزی است. بر اساس این دیدگاه، حرارت غریزی سبب حیات است و فقدان آن نیز سبب موت است. (ابن سینا، القانون، ص ۳۲ و شرح‌الاشارات و التنبیها، ص ۵۰۹-۵۰۸).

ب) پزشکی جدید: از دیدگاه طب جدید، قطع اکسیژن-رسانی توسط خون و از کار افتادن جریان خون (نبض، فشار خون و تنفس) علت اصلی مرگ است. با قطع جریان خون اعمال حیاتی بدن متوقف می‌شود و مرگ اتفاق می‌افتد. اکسیژن و مواد ضروری و مورد نیاز بدن به وسیله جریان خون باعث زنده نگه داشتن بافت و اعضای بدن می‌شود. بنابراین، علت حیات از دیدگاه طب جدید وجود جریان خون در بدن و علت مرگ نیز قطع جریان خون است. (آرتور گایتون: ۴۴۷-۴۳۶)

اما با پیشرفت فناوری‌های پزشکی، تعریف مرگ نیز متحول شده است و در سرمازیستی مرگ به ایجاد اختلال در عملکرد سلول‌های بدن و تجزیه شیمیایی آنها تعریف می‌شود و مرگ بالینی را مرگ قطعی و نهایی نمی‌داند. بنابراین، ضروری است که ابتدا با این فناوری جدید آشنا شویم و سپس به مفهوم مرگ در سرمازیستی بپردازیم.

آشنایی با فرایند سرمازیستی

سرمازیستی^۱ یکی از فناوری‌های نوین زیست‌پزشکی^۲ جهت درمان بیماری‌های لاعلاج در آینده دور است. سرمازیستی دانشی نوین است که به مطالعه و تجزیه و تحلیل عکس‌العمل ارگانیسم‌ها، پروتئین‌ها و اتم‌ها وقتی که در دمای پایین یعنی حدود ۱۹۶ درجه زیر صفر قرار دارند، می‌پردازد. در واقع با پایین آوردن دمای بدن انسان، سعی در سالم نگه داشتن بدن برای آینده دارد.

بدن بیمار سرمازیست باید چندین سال در این حالت درون تانکرهای عظیم‌الجثه‌ای که مرتب نیتروژن مایع درون آنها، تعویض می‌شود، قرار بگیرد تا هر زمانی که با پیشرفت علم پزشکی، درمان بیماری لاعلاج آنها میسر شد، با استفاده

3. Alcor

4. Cryonics

5. Kriorus

1. cryonic

۲. زیست‌پزشکی یکی از شاخه‌های دانش پزشکی است که از اصول فیزیولوژی و زیست‌شناسی در عملکردهای بالینی استفاده می‌کند.

ملاصدرا در جای دیگر مرگ را ابتدای حرکت بازگشت نفوس انسانی به سوی خداوند می‌داند؛ چنان که حیات طبیعی، انتهای حرکت نزولی آنها از جانب پروردگار است. عرفا و حکما این دو سلسله نزولی و صعودی را به دو قوس از دایره تشبیه کرده‌اند. (همان: ج ۹/ ۳۲۱ و ۳۲۳)

به اعتقاد ملاصدرا، مرگ گسترش و امتداد وجودی نفس است و وجود نفس در فرایند حرکت، طی یک سیر استکمالی، تحت پوشش ماهیت‌های مختلفی از جمادی تا تجرد و فوق تجرد قرار می‌گیرد. این سیر استکمالی شامل عوالم حواس، تخیلات و تعقلات و مراتب هر یک می‌باشد. (همان: ج ۹/ ۱۰۰-۹۹ و ۲۳۵-۲۳۶) ملاصدرا این سیر استکمالی را برای تمامی موجودات دنیا لازم می‌داند. (ملاصدرا، ۱۳۶۶ ب: ۴۰۶)

به اعتقاد ملاصدرا، هر موجودی به سوی کمال و غایت خود، در حرکت است و غایت این حرکت، نمی‌تواند در ظرف و بستر دنیا تحقق یابد و باید آن را در آن سوی نشئه دنیوی، یعنی نشئه آخرت جست‌وجو کرد (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف: ۱۸۴-۱۸۵)؛ زیرا از نظر وی فلسفه خلقت بر اساس کمال-یابی موجودات است و تمام موجودات به سمت کمال ذاتی خود در حرکتند (گرجیان و اسماعیلی، ۱۳۹۵: ۳۹)، اما تفاوت انسان با سایر موجودات در این است که انسان علاوه بر حرکت فطری، از حرکتی ارادی نیز برخوردار است. (ملاصدرا، ۱۳۶۰ الف: ۱۵۲)

انواع مرگ از نظر ملاصدرا

از نظر ملاصدرا مرگ دو نوع است: مرگ طبیعی و مرگ ناگهانی یا اخترامی. در مرگ طبیعی نفس به واسطه استکمال یافتن و استقلالش در وجود، نیاز و تعلقش به بدن مادی قطع می‌شود و آن را به طور طبیعی رها می‌سازد، اما در مرگ اخترامی (ناگهانی) بدن به علت عوارض و حوادث ناگهانی خراب شده، قابلیتش را برای تداوم تعلق نفس به آن از دست داده و از حمل این موجود فرسوده دست بر می‌دارد. (ملاصدرا، ۱۳۸۸: ج ۹/ ۴۷)

دیدگاه‌های دیگری درباره علت مرگ وجود دارد که آنها فساد و خرابی بدن را موجب جدایی نفس از بدن می‌شمارند، ولی ملاصدرا مرگ طبیعی را معلول حرکت‌های نفوس به

و آنچه در کرایونیک مطرح است، مرگ قطعی نیست، بلکه مرگ بالینی است که هنوز می‌توان به احیای فرد امید داشت.

همچنان که تجهیزات پزشکی امروزی و تشخیص و درمان بسیاری از بیماری‌ها با داروهای جدید برای پزشکان یک قرن پیش قابل تصور نبود، این نجات بیماران در حال حاضر، برای آنها می‌تواند تصور زنده کردن مرده باشد و این همان اشکالی است که امروزه درباره کرایونیک وارد می‌شود. لذا تعریف مرگ بالینی و مرگ قطعی با پیشرفت علم متحول شده و گاهی فاصله این دو به گونه‌ای است که فرصت استفاده از تکنولوژی‌های آینده فراهم می‌شود و این یک زمان طلایی برای نجات بیمار تلقی می‌شود.

بنابراین آنچه امروزه مرگ تلقی می‌شود، ممکن است مرگ نباشد و در واقع یک آسیب قابل درمان باشد، ولی این به آن معنا نیست که مرگ برگشت‌پذیر است، بلکه به این دلیل که این مرگ، مرگ بالینی است که در آن علائم حیاتی مطابق علم امروز، از کار می‌افتند و چه بسا علم در آینده علائم حیاتی را در سلول‌ها و اختلالات شیمیایی درون سلولی تعریف کند. (Hendry, Robert; Crippen, David, 2014: 1-10)

۲. رویکرد فلسفی در باب چیستی و علت مرگ (طبق نظریه ملاصدرا)

در آثار ملاصدرا تعبیرهای متفاوتی درباره مرگ به کار رفته است که همه آنها به یک حقیقت اشاره دارد. او در جایی مرگ را به انصراف نفس از عالم طبیعت تعریف کرده است. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۵/ ۳۰۴) وقتی انسان به نهایت سیر ذاتی و حرکت جوهری خود رسید، مرگ از این نشئه بر او عارض شده و در نشئه دوم متولد می‌شود. (همان: ج ۹/ ۲۳۸) به عبارت دیگر، مرگ پایان سفر به سوی آخرت و آغاز سفر در آن است. به بیانی مرگ انسان عبارت است از خارج شدن از شکم دنیا به سعه آخرت است. با این بیان، روشن می‌شود که از دیدگاه ملاصدرا فساد و هلاکی نیز که عارض بدن می‌شود، امری است که بالعرض تحقق می‌یابد نه بالذات؛ مانند شرور دیگری که در این عالم بالعرض و بالتبع خیرات تحقق می‌یابند. (همان: ج ۹/ ۲۳۸-۲۳۹؛ همو، ۱۳۵۴: ۴۵۵)

تصادف یا ابتلا به بیماری‌های ویروسی در حالی که در مرگ اخترامی عامل بیرونی موجب جدایی نفس از بدن می‌شود.

علت مرگ از نظر ملاصدرا

ملاصدرا بر اساس اصولی چون حرکت جوهری نفس، اصالت وجود، حدوث جسمانی نفس، تحلیل جدیدی از مسئله مرگ ارائه می‌دهد و علت مرگ را کمال نفس و استقلال ذاتی آن معرفی می‌کند. (ملاصدرا، زاد/المسافر: ۲۳) مرگ طبیعی مانند میوه درختی است که تا زمانی که نارس است، به شاخه درخت متصل است و پس از رسیدن آن را رها می‌کند.

بنا بر نظر ملاصدرا چون نفس به کمال و فعلیت رسیده، بدن را ترک می‌کند، نه چون بدن دچار اختلال شده، روح از آن جدا می‌شود. در حقیقت پدیده پیری از دیدگاه ملاصدرا تبیین متافیزیکی می‌یابد. پدیده پیری نتیجه کم شدن تدریجی توجه غریزی روح به بدن و اعراض و ادبار روح از بدن است، برخلاف تبیین پزشکی از پدیده پیری که آن را ضعف ارگان‌های بدن می‌دانند.

از دیدگاه ملاصدرا مرگ طبیعی امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. بنابراین، می‌توان گفت هر انسانی بالضروره می‌میرد. صورت‌بندی استدلال ملاصدرا در ضرورت مرگ چنین است:

(الف) انسان کائن است.

(ب) هر کائنی می‌میرد، پس انسان می‌میرد.

توضیح آنکه: بدن انسان کائن است و هیئت ترکیبی از نفس و بدن (انسان) نیز کائن است. هر چیزی که کائن است دچار کون و فساد می‌شود؛ زیرا موجودات کائن از جمله انسان، همواره در حرکت هستند و پس از وصول به غایت حقیقی از حرکت می‌ایستند. حرکت با ابدیت سازگار نیست و پس از وصول به غایت و نیل به منتها، از حرکت باز می‌ایستد. انسان نیز بعد از اینکه به غایت حقیقی که ذات آن را استکمال می‌بخشد، برسد از حرکت باز می‌ایستد. بنابراین، آنچه اولاً و بالذات مبتلا به مرگ می‌شود، بدن و بالتبع بدن، مرگ بر انسان که مرکب از نفس و بدن است نیز اتفاق می‌افتد. پس مرگ برای انسان ضروری است، اما مرگ بر نفس عارض نمی‌شود؛ زیرا بر اساس نظر ملاصدرا نفس در

سوی کمال می‌داند و آن را این‌گونه تبیین می‌کند که نفوس در عالم طبیعت غایت‌ها و اهدافی دارند و هر موجود نیز غایتی دارد و چون به غایت خود رسد، از حرکت باز می‌ایستد و اگر نقصانی باقی مانده باشد، برای دفع آن حرکت دیگری می‌آغازد تا زمانی که به فعلیت و کمال محض برسد و به مقام عقلانیت صرف باریابد. در نتیجه هر تعطیل و توقیفی در حرکت‌های موجودات دارای نفس، تنها به سبب انتقال و ارتحال آنها به نشئه دیگری است. این وقوف و سکون را برای متحرک در عالمی که در آن حرکت می‌کرده است، موت و در عالمی که بدان جا انتقال یافته است، حیات اخروی و ولادت می‌نامند.

با توجه به این امر انسان به این علت در معرض مرگ طبیعی قرار می‌گیرد که نفس او در مراتب استکمال و تحولات از روی فطرت و غریزه ذاتی خویش متوجه عالم آخرت و در مسیر سیر و سلوک ذاتی به جانب مبدأ اعلی است و چون از این نشئه به نشئه اخروی ارتحال یابد، نفس او در آن جهتی که سیر می‌کند، به فعلیت رسیده و استعدادها از وی زایل می‌شود. نفس در این زمان به این دلیل که به ابزار و قوای بدنی نیازی ندارد، دیگر در بدن تصرف نمی‌کند و بدین ترتیب، مرگ بر آن عارض می‌شود. (ملاصدرا، ۱۳۶۰: ۸۸-۸۹) بنا بر دیدگاه ملاصدرا حالت‌های بدنی انسان به لحاظ قوه و فعل و شدت و ضعف با حالت‌های نفسانی انسان نسبتی معکوس دارند؛ به این گونه که در سیر تحول بدنی از جوانی به پیری به تدریج توانایی بدنی انسان کاسته شده، ولی در سیر تحول نفسانی، توانمندی‌های نفسانی انسان افزایش می‌یابد. این در مرگ طبیعی است، اما در مرگ اخترامی فرایند استکمال نفس طی نمی‌شود، بلکه بی آنکه نفس به غایت خود برسد، تنها به دلیل رخ دادن اموری که پیوند نفس و بدن را قطع می‌کنند، بدن را رها می‌سازد و مرگ تحقق می‌یابد. با این تحلیل این ارتحال نفس است که موجب خرابی خانه تن می‌شود، نه اینکه ویرانی بدن موجب ارتحال نفس می‌شود.

البته تفسیر ملاصدرا از مرگ طبیعی این نیست که مشکلی برای بدن حاصل نمی‌شود، بلکه مهم این است که در مرگ طبیعی منشأ پز مردگی (ذبول) بدن استکمال نفس و اعراض آن از بدن است نه عامل بیرونی و قسری، همچون

باید گفت: از دیدگاه ملاصدرا هویت و حقیقت وجودی انسان را نفس تشکیل می‌دهد. (همان: ج ۹/ ۵۴-۵۵)

۳. استکمال جوهری نفس: نفس، جوهر جسمانی الحدوث و روحانی البقا است؛ حدوث و پیدایش نفس به صورت جسمانی و مادی است، اما بقا و استمرارش روحانی و غیر مادی است؛ یعنی در زمینه مادی زمینه ظهورش فراهم می‌شود، اما همین که ایجاد شد موجودی دیگر و روحی مستقل از ماده خواهد بود.

استدلال ملاصدرا بدین شرح است که موجودات ممکن به دو قسم مادی و مجرد یا تام و ناقص تقسیم می‌شوند. در مورد موجودات مجرد یا تام امکان بحث ضرورت مرگ مطرح نیست؛ زیرا چنین موجوداتی منزله از حرکت و تغییرند و همواره به بقای سبب فاعلی و غایی خود باقی‌اند، اما هر موجود مادی در معرض حرکت جوهری است و چون برای حرکت مقصدی است که با رسیدن به آن، پایان می‌پذیرد انسان هم که جزئی از عالم طبیعت است، حرکتی دارد که با رسیدن به غایت و پایان آن، مرگ او فرا می‌رسد. تبیین این حرکت از این قرار است که انسان از حین حدوث طبیعی و سپس در مراتب نفسانی و عقلی خود همواره از تحولات ذاتی و انتقال‌های جوهری برخوردار است. وقتی هر نفس انسانی با حرکت خود در عالم ماده مسافت زندگی دنیوی را طی کرد و استعدادهای خود را فعلیت بخشید و به مقصد خود نائل شد از بدن طبیعی بی‌نیاز شده، با اشتداد جوهری خود به مرتبه‌ای می‌رسد که برای ارتقا به جهانی دیگر آمادگی می‌یابد و با خلع بدن مادی به پایان سفر خود در دنیا رسیده وارد عالم دیگر که مقصد اوست، می‌شود. پس غایت ذاتی مرگ را باید در وجود عالمی دیگر و رسیدن نفوس به منزلگاه ذاتی خود جست‌وجو کرد. (ملاصدرا، بی‌تا: ۱۰۵)

اهمیت و ارزش این استدلال در آن است که می‌تواند ضرورت مرگ طبیعی را برای هر نفسی اثبات کند؛ زیرا غایت مرگ را به فرد فرد انسان‌ها مستند می‌کند نه به امور دیگر. همچنین بطلان تناسخ از این شیوه استدلال آشکارتر می‌شود؛ زیرا بدین ترتیب مرگ رها شدن و انتقال از عالم طبیعت است نه صرف رهایی از بدن. (دیوانی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

باید توجه داشت که استدلال ملاصدرا بر ضرورت مرگ، متوجه خود نفس پس از مفارقت از بدن نیست؛ یعنی

بقا موجودی مجرد است و کون و فساد به موجود مجرد و تام عارض نمی‌شود. (ملاصدرا، سفر، ج ۸/ ۱۰۵-۱۰۴)

اهمیت دیدگاه ملاصدرا در این است که اولاً ضرورت مرگ را برای همه افراد اثبات می‌کند. ثانیاً غایت ذاتی و سبب حقیقی مرگ را بیان می‌کند؛ زیرا بر اساس این دیدگاه نفس به سبب وصول به غایت ذاتی خود، بدن را ترک می‌کند. غایت ذاتی، مکمل و متمم ذات صاحب غایت است. (حکیم زنوزی: ۲۲۶)

مبانی ملاصدرا در تبیین مسئله مرگ

دیدگاه ملاصدرا نسبت به چیستی و چرایی مرگ، بر اساس مبانی فلسفی او است که به توضیح چند مورد از آنها می‌پردازیم.

۱. حرکت جوهری: ملاصدرا با مطرح نمودن نظریه حرکت جوهری، تحولی اساسی در بحث حرکت ایجاد کرد. پیش از وی حرکت را تنها در اعراض جسم می‌پذیرفتند، ولی او اثبات کرد که در جسم و امر جسمانی ثبات معنا ندارد، بلکه این هستی است که در برخی مراتب خود ثابت و در برخی دیگر سیال است. از دیدگاه او هستی ثابت مساوی با ماورای طبیعت و عالم طبیعت مساوی با سیلان و همواره در حال صبرورت و شدن است. (مطهری، ۱۳۳۷: ج ۱۳/ ۲۷۷-۲۷۴) بر این مبنا، وجود نفس نیز که به بدن و جسم تعلق می‌گیرد، امری سیال است.

۲. دوساحتی بودن، حقیقت انسان: لازمه اثبات مرگ و فرایند آن این است که در کنار مباحث مرگ، درباره حقیقت انسان نیز صحبت شود. در انسان‌شناسی، انسان از نظر حقیقت و خصوصیات وجودی و اینکه انسانیت، ماهیت و اصلش به چیست و هدف و سرانجام وجودش چگونه است، بررسی می‌شود:

درباره حقیقت انسان دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. دیدگاه‌هایی که انسان را موجودی تک‌ساحتی (صرفاً جسمانی، صرفاً روحانی، نه نفسانی محض و نه جسمانی صرف) می‌دانند و دیدگاه‌هایی که انسان را دو ساحتی (جسمانی-روحانی) می‌دانند. (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ج ۸/ ۷-۸؛ فخر رازی، ۱۴۱۱: ج ۲/ ۲۲۰)

در پاسخ به این پرسش که هویت اصلی و حقیقت وجودی انسان را کدام یک از این ساحت‌ها شکل می‌دهد،

نمی‌توان برای نفس مرگی تصور کرد؛ زیرا حرکت جوهری نفس تنها در عالم طبیعت امکان‌پذیر است و با رسیدن به مرتبه تجرد، در شمار موجوداتی نیست که فساد و زوال بپذیرد. در واقع مرگ بر وصفی از اوصاف نفس (تعلق به بدن مادی) هجوم می‌آورد، نه بر خود او. (ملاصدرا، ۱۳۷۵: ج ۱/۲۸۴).

با این تقریر از ضرورت مرگ، تفسیر مرگ، انتقال انسان از جهانی به جهان دیگر یا تحول انسان از نقصان به درجه‌ای از کمال است.

بنابراین، استکمال نفس از منظر ملاصدرا و انتقال از نشئه دنیا در زمانی اتفاق می‌افتد که روح در حرکت جوهری خود به آن مرتبه رسیده باشد و درمان بیماری با سرمازیستی، قصد جلوگیری از استکمال نفس را ندارد، بلکه این کار مانند بقیه موارد درمانی دیگر که برای انسان اتفاق می‌افتد، نشان از آن است که نفس انسانی، هنوز به آن درجه نرسیده تا بخواهد تولد در نشئه دیگر را تجربه کند.

بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه اینکه هرچند خداوند مرگ را سرنوشت اجتناب‌ناپذیر انسان قرار داده، ولی این موضوع با توجه به تعریف فلاسفه و حکما از جمله ملاصدرا به هیچ روی قابل رؤیت و اثبات نیست و به ناچار باید از سنجه علمی برای اثبات تحقق آن استمداد جست. چنانکه پزشکی نوین توقف اکسیژن‌رسانی توسط خون و از کار افتادن جریان خون را مرگ بالینی می‌داند و سرامازستی، ایجاد اختلالات شیمیایی سلول‌های بدن را مرگ قطعی تعریف می‌کند. بنابراین، هرچند که مرگ سرنوشت بلاشک انسان است، اما با اطمینان نمی‌توان گفت زمان آنچه وقت خواهد بود و طول عمر بسیاری از افراد در گذشته تأییدکننده این مطلب است.

بنابر مسلک ملاصدرا که منشأ پیدایش نفس را حرکت و سیلان مواد و صور مستعد از برای طی درجات نباتی و حیوانی و وصول به مقامات انسانی می‌داند، علت موت طبیعی را حرکت نفس به عالم خود و رجوع روح مجرد امری بعد از استیفای درجات انسانی و نیل به مقامات و مراتب شایسته آن می‌داند؛ به این معنی که نفس در اول وجود عین مواد و صور حال در مواد است و بعد از رسیدن به مقام

انسانی (مطابق استعداد جوهری هر نفس) به تدریج تعلق آن رو به ضعف رفته تا آن که بالمره جلیب خود را رها نماید و غرض از تعلق نفس به بدن، نیل به درجات لایق آن است و بعد از حصول غایت، جهت تعلق، زایل می‌شود. (آشتیانی: ۲۴۸) به عبارت دیگر، مرگ آخرین مرحله تکمیل نفس ناطقه است که در آن مرحله خلع بدن و قشر کرده و به عالم روحانیات می‌پیوندد. (ملاصدرا، ۱۹۵۶: ج ۴/۱۹۶)

بنابراین، استفاده نمودن از فناوری‌های جدید در دانش پزشکی برای معالجه بیماری‌های سخت‌درمان و یا اعلام زمان مرگ مغزی برای اهدای عضو منافاتی با پذیرش این واقعیت مسلم در جهان ندارد. دانشمندان زیست‌پزشکی برای بهبود زندگی بشر تلاش می‌کنند و پیوند قلب، انتقال خون، لقاح آزمایشگاهی، تحقیقات سلول‌های بنیادی و غیره نیز در همین راستا انجام می‌گیرد و مخالفت بنیادی با این درمان‌ها و فعالیت‌ها صورت نمی‌گیرد. می‌توان گفت که امتناع از به‌کارگیری دستاوردهای پزشکی و یا ممنوعیت توسعه آنها، با خودکشی یا قتل قابل مقایسه است که از منظر بیشتر ادیان گناه محسوب می‌شود.

در واقع پزشکان در فناوری‌های جدید مانند سرامازستی در پی تغییر در عنوان مرگ یا انکار روح و دخالت در کار خداوند نیستند. تلقی آنها از مرگ همان‌طور که بیان شد، فیزیولوژیکی است و هدف آنها استفاده از فرصت طلایی بین مرگ بالینی تا تجزیه شیمیایی سلول‌های بدن، جهت ارائه درمان بیماری-هاست، آن هم در آینده‌ای که پیشرفت‌های سریع علوم مختلف آن را بسیار روشن و قابل دستیابی کرده است.

منابع

- ابن‌سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۰). *الشفاء (الطبیعیات)*. ج ۲. *النفس*. تحقیق سعید زاید، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی.
- _____ (۱۳۶۳). *المبدأ و المعاد*. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران.
- ابن قیّم جوزیه محمد بن ابی بکر (بی‌تا). *الروح*. بیروت: دارالفکر العربی، اشعری.
- ابن منظور، جمال‌الدین محمدبن مکرّم (بی‌تا). *لسان‌العرب*. چاپ دوم. بیروت: دار و مکتبه الهلال.

رازی، فخرالدین (۱۴۰۹ق). *الاربعین فی اصول الدین*. بیروت: دار الکتب العلمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۲۰ق). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق محمد خلیل عیتایی. چاپ دوم. بیروت: دارالمعرفه.

ستوده حمید (۱۳۹۱). *مرگ مغزی پردازش فقهی- حقوقی*. چاپ اول. مرکز فقهی ائمه اطهار.

سهروردی، شهاب الدین یحیی (۱۳۷۵). *مجموعه مصنفات شیخ اشراق*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگ.

شیرازی، مصطفی (بی تا). *مرگ مغزی از نظر اخلاق پزشکی*. مجموعه مقالات اخلاق پزشکی.

صدر الدین شیرازی محمد بن ابراهیم (ملاصدرا) (بی تا). *الاسفار الاربعه*. قم: منشورات مصطفوی.

_____ (۱۹۸۱). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه*. چاپ سوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

_____ (بی تا). *الحاشیه علی الاهیات الشفاء*. قم: انتشارات بیدار.

_____ (۱۳۶۸). *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه*. قم: مکتبه المصطفوی.

_____ (۱۳۷۵ق). *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

_____ (۱۳۵۴ش). *المبدأ و المعاد*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.

_____ (۱۴۱۷ق). *الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه (مقدمه عربی)*. ۲ جلد. چاپ اول. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.

_____ (۱۳۶۶). *تفسیر القرآن الکریم (صدر)*. ۷ جلد. چاپ دوم. قم: بیدار.

صفوی مقدم، نازین (بی تا). «بررسی مفهوم مرگ از دیدگاه ژان پل سارتر و مارتین هایدگر». شماره ثبت، ۵۴۲۰۷. دانشگاه تهران، تالار اطلاع رسانی.

صلیبا، جمیل (۱۳۶۶). *فرهنگ فلسفی*. ترجمه منوچهر صناعی دره بیدی. چاپ اول. تهران: انتشارات حکمت تهران.

اسدی، محمدرضا (۱۳۸۶). *حدیث آرزومندی؛ بررسی آرای انسان شناسی هیدگر و ملاصدرا*. چاپ اول. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

افلاطون (۱۳۵۷). *دوره آثار افلاطون*. ترجمه: محمد حسن لطفی و رضا کاویانی. ج ۱. تهران: خوارزمی.

آشتیانی، جلال الدین (۱۳۸۱ ش). *شرح بر زادالمسافر صدر الدین محمد بن ابراهیم شیرازی*. ۱ جلد. چاپ اول. قم: بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).

بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ق). *الحدائق الناصره فی أحكام العتره الطاهره*. ۲۵ جلد. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

پور دهکردی، محمد (۱۳۹۱). *کرامت انسان از دیدگاه ملاصدرا و کانت، مبانی معرفت شناختی و وجودشناختی*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

جمعی از نویسندگان (بی تا). *اخلاق پزشکی به انضمام مختصری از تاریخ پزشکی*.

جمعی از مؤلفان (بی تا). *مجله فقه اهل البیت علیهم السلام (بالعربیة)* ۵۲ جلد. چاپ اول. قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۲۶). *معجم الصحاح*. ویرایش خلیل مامون شبحا. چاپ اول. بیروت: دارالمعرفه.

حبیبی، حسین (۱۳۸۰). *مرگ مغزی و پیوند اعضا از دیدگاه فقه و حقوق*. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.

خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۲۴ق). *توضیح المسائل (محشی - امام خمینی)*. ۲ جلد. چاپ هشتم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت نامه دهخدا*. چاپ دوم. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه.

دیوانی، امیر (۱۳۷۶). *حیات جاودانه، پژوهشی در قلمرو معادشناسی*. چاپ اول. معاونت امور اساتید و دروس معارف اسلامی.

- صناعی‌زاده، حسین (۱۳۸۷). *پزشکی قانونی*. چاپ اول. تهران: دادگستر.
- طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۷۴). *آغاز و انجام*. چاپ چهارم. تهران.
- _____ (بی‌تا). *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- عباس‌زاده جهرمی، محمد؛ دژکام، لطف‌الله (۱۳۹۲). *درآمدی بر انسان‌شناسی اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف.
- غزالی، ابو‌حامد (بی‌تا). *احیاء علوم‌الدین*. تصحیح عبد‌الرحیم بن حسین حافظ عراقی. ج ۱۵. بیروت: دارالکتب العربی.
- فاضل، مقداد (۱۴۰۵ق). *إرشاد الطالبین إلی نهج المسترشدين*. قم: بی‌نا.
- فلوطین (۱۳۶۶). *دوره آثار فلوطین تاسوعات*. ترجمه محمد حسن لطفی. ج ۱. تهران: خوارزمی.
- فندهاری، محمد آصف محسنی (۱۴۲۴ق). *الفقه و مسائل طبیه*. جلد ۲. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- کاشف الغطاء، جعفر (۱۳۸۰). *کشف الغطاء عن مهمات الشریعه الغراء*. تحقیق عباس تبریزیان، محمد رضا ذاکری و عبدالحلیم حلی. چاپ اول. قم: بوستان کتاب.
- کلینی، ابو‌جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی* (ط - الإسلامیه). جلد ۸. چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- گریبان، محمدمهدی؛ اسماعیلی، معصومه (۱۳۹۵). «منازل وجودی انسان در حرکت استکمالی عقل از منظر ملاصدرا». *پژوهش‌های هستی‌شناختی*، شماره ۹، صص ۳۵-۴۹.
- گودرزی، فرامرزی؛ کیانی، مهرزاد (۱۳۸۴). *پزشکی قانونی*. چاپ اول. تهران: سمت.
- مرعشی قاضی، نورالله (۱۴۰۹ق). *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*. چاپ اول. قم.
- معین، محمد (۱۳۶۰). *فرهنگ فارسی*. چاپ چهارم. تهران: سپهر.
- نجفی، محمدحسن (۱۹۸۱م). *جواهر الکلام*. چاپ هفتم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ق). *عوائد الایام فی بیان قواعد الأحکام*. جلد ۱. چاپ اول. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- نصیری، منصور (بی‌تا). «نفس و بدن از دیدگاه علامه طباطبایی». *نقد و نظر*، سال ۱۵، شماره ۳.
- نوری، حسن (۱۳۸۱). *فرهنگ بزرگ سخن*. چاپ اول. تهران.
- همتی مقدم و همکاران (۱۳۹۸). «مرگ به مثابه یک فرایند». *اخلاق و تاریخ پزشکی*، دوره ۱۲.
- یزدی، سیدمحمد؛ محقق داماد (۱۴۱۶ق). *کتاب الصلاه* (للمحقق الداماد). جلد ۴. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- Dedon, J. (2018). "Preserving Assets in Trusts for Clients Considering cryonic". *Revival Trust*, 45(8). Pp. 24-30.
- Whetstine, L.; Streat, S.; Darwin, M.; Crippen, D. (2005). "Pro/con ethics debate: When is dead really dead?". *Critical Care*. 9 (6), pp. 538-42. doi:10.1186/cc3894. PMC 1414041. PMID 16356234.
- Hendry, Robert; Crippen, David (2014). "Brain Failure and Brain Death". *ACS Surgery: Principles and Practice critical care*. Decker Intellectual Properties Inc. pp. 1-10. Archived from the original on 23 January 2021. Retrieved 3 March 2016.